

# سیران انقذار

# فیات

روزنامه به مناسبت دهه کربلا



## رئیس عزیز

## خستگی نمی کشد



نشریه بسیج دانشجویی

# سیران انقلاب

@Enqelabsq

نشریه فرهنگی - اجتماعی هیأت الزهرا (س)



# هیأت

@AzzahraMaktubat

# بِسْمِ اللَّهِ

صاحب امتیاز:

هیئت الزهرا (س) دانشگاه صنعتی شریف

بسیج دانشجویی دانشگاه شریف

تحریریه: بهنام بالغی، علیرضا عسگری، صدرا علی‌بک،

محمدحسین عبداللہی

صفحه آرا: محمدیونس تاجمیری

## حضرت آیت‌الله امام خامنه‌ای (مدظله العالی):

و لکن مردم عزیزمان؛ چه شما که اینجا نشستید، چه کسانی که بعداً عرایض ما را می‌شنوند؛ مطمئن باشند که هیچ اختلالی در کار کشور به وجود نمی‌آید. مسئولین از امروز عصر که خبر حادثه را شنیدند با جدیت چند برابری مشغول کارهای خودشان هستند. ما هم توصیه‌هایی که باید بکنیم به آن عزیزانمان توصیه کردیم. همه چیز ان‌شاءالله مرتب، منظم، کارهای کشور پیش می‌رود؛ هم امنیت کشور، هم امنیت مرزها، هم بقیه کارهایی که در سطح کشور به وسیله قوه مجریه باید انجام بگیرد، انجام می‌گیرد.

عزیزها



# تکرار یک دلنگی

بهنام باغی

۹۷ مهندسی نفت

نمی‌دانم، رخ داد غریبی است...

این روزگار بدیع‌گونه انگاری با خودش عهد بسته؛ عهد بر آن تا هر چه را که پیش از این دفعتی پیش‌آمد داشته یا نداشته، بر ابتلاهای مان بیفزاید. یادتان می‌آید؟ حوالی ۴ سال و ۴ ماه قبل که در بامدادی دیگر، فجر آدینه‌مان آغشته به غم گردیده بود. در صحنه‌ی ماندگار نماز بر پیکر سردار دل‌ها، اشک‌های مردی در پشت سر رهبر، به چشم می‌آمد؛ نمی‌دانم آن اشک‌ها از سر چه بود؟ شاید از سر غبطه بر احوالات حاج قاسم که آن روزها عزتش میان مردم این سرزمین، همه را خیره به خود کرده بود. شاید از سر از دست دادن یار هم‌نفس و گران‌بهای رهبر برای ایران گران‌مایه. شاید از سر نامعلومی سرنوشت و جهل به عاقبت خویش شاید هم اللهم انا لا نعلم منه الا خیرای رهبر، او را برد به یادگارهای خاطراتش با آن سردار رشید اسلام! شاید هم از همان جا و همان اشک‌ها معامله‌ای را با خدای خویش کرده که ما امروز با حاصلش روبرو گشته‌ایم. نمی‌دانم کدام‌شان یا کدام‌هایشان بوده! این را فقط خود او می‌داند و خدای‌اش به راستی که این همه رخ‌داد بر این خاک، عادی نیست اما تحیر همه از سرپایی ملت‌مان بعد این فراز و فرودهاست. این‌بار هم

حکایت همین است. ما می‌دانیم که باید با فقدان چند تن از خالص‌ترین‌ها و پرتلاش‌ترین‌ها کنار بیاییم ولی نگاه بر آن داریم تا با گذر از این سختی پیش آمده، بیشتر کنار هم برای ایران با همه‌ی وجوه ظرفیتی‌اش بمانیم. خستگی‌ناپذیرهایی را از دست دادیم اما از امروز مسئولیت‌مان برای ساخت ایران ماندگار و قوی بیش از پیش شده است چرا که باید جای خالی این عزیزان را هم پر کنیم. ما امشب عهد می‌بندیم که با کنار آمدن با این داغ و همه‌ی سختی و سنگینی‌اش، عزم‌مان برای ساخت ایران را محکم‌تر کرده و بیش از پیش برای‌اش تلاش کنیم.

آقای رئیس‌جمهور! چه همراهانی هم داشتی؛ وزیر وزین خارجه‌ات، همان آقای دیپلمات خوش‌نام ارتباطات منطقه‌ای امام جمعه‌ی تبریز هم بود که به آرزویش برسد و بعد شهید قاضی و شهید مدنی شد سومین امام جمعه‌ی شهید شهرش. آقای رئیس‌جمهور! تمام زندگی خویش را مرهون امام رضا (ع) می‌دانستی و حال نوبت ماست که از این طلبه‌ی خدمت‌گزار بخواهیم تا دعاگوی این سرزمین و مردم کشورش باشد. و چه زیبا سرانجامی است چنین؛ خادم آستان رضا (ع) در شب میلاد رضا (ع) به دیدار حق ره‌سپار گردید.

## راز نگین

## رئیس‌جمهور

علیرضا عسگری

۹۸ مهندسی شیمی



برای مردمان این خاک از آنجا که گویا قرار نیست تحقق یابد فراموش شده. چونان ضربه‌های چکشی که بر سر شمشیر فرود می‌آورند، همین اتفاقات و عادی‌نزیستن‌ها این ملت را ساخته. این ضربه‌ها به شمشیر است که ناخالصی‌ها را از آن می‌زداید و آن را مستحکم‌تر می‌کند؛ و تاریخ می‌خواهد که این خاک روزبه‌روز مستحکم‌تر شود تا شاید شمشیر عدالت‌خواهی‌اش در عالم برنده‌تر از همیشه باشد. با هر نقصانی که یقیناً تاریخ می‌خواهد آن‌ها را بزدايد. باید به آینده‌ی این شمشیر پس از این ضربه‌ها اندیشید. ضربه‌ها را باید تحمل کرد. هرچه هست باید گذر کرد باید درس گرفت، عبور کرد و نایستاد؛ ما محکوم به حرکتیم؛ یا شاید به تعبیر بهتری

از لگدکوب حوادث عمر دیگر یافتیم چون غبار از زیر پای کاروان برخاستیم

خاک، شمشیر، چکش! در طول تاریخ این چند سده اخیر ایران و جنگ‌ها، دادخواهی‌ها و ظلم ناپذیری‌هایش، آنجا که سم اسبان اجنبی وارد این خاک می‌شد، غارت می‌کرد و تکه‌هایی از این خاک را از آن جدا می‌کرد چه آنجا که با شمشیر در برابر تفنگ می‌ایستادند اما وجب به وجب پس می‌گرفتند. چه در حیات این ۴ دهه و بالا و پایین‌هایش، چه خاصه این چند سال اخیر؛ ۹۸ و آبان و شهادت حاج قاسم و هواپیمای اوکراینی، ۹۹ و ۴۰۰ کرونایی و از دست دادن عزیزانمان و شهادت فخری‌زاده‌ی عزیز، ۴۰۱ و اتفاقات خاص خودش که چندسال همه‌مان را پیر کرد، ۴۰۲ و فلسطین و شهادت مردان خدا و حادثه‌ی کرمان و چه الان که ۴۰۳ در همان ابتدایش روی سخت خود را به ما نشان داد، شاید عادی‌زیستن

استحکام این شمشیر و گرنه که این شمشیر چه قدر می‌تواند تحمل کند؟ چه خوش عاقبتی ست در راه خدمت به خلق و عدالت‌گستری نزدیک آن روستای مرزی-در حالی که می‌توانستی پشت میز بنشینی- به لقا الله بیبوندی؛ خدا شما را کافی بوده و هست آقای رئیسی، آقای آل‌هاشم، آقای امیرعبداللهیان، آقای رحمتی، آقای... صافی و اخلاص شما را ماندگار خواهد کرد. همان هنگام که قرآن و عکس حاج قاسم را بدست گرفتید و به دنیا نشان دادید. عیار آن‌ها که می‌خندند و خوشحال‌اند کم است. با هر ضربه‌ای به این شمشیر از آن جدا می‌شوند. حسرتش را بعدها خواهند خورد. ایران، ایران امام‌رضاست و او... خوب محبان و خادمانش را می‌خرد

رضوان خدا بر روح‌الله خمینی که این نهضت هنوز زنده را بنا نهاد

قبل از انتخابات ریاست جمهوری در جلسه‌ای که آقای رئیسی ترتیب داده بود تا نکات و مشکلات نخبگان قسمت‌های مختلف را بشنود بر سر شوخی و مزاح با دوستان از ایشان هدیه‌ای خواستیم؛ انگشترشان یادگاری ما از آن جلسه بود. از همان زمان خطاطی روی انگشتر، در ذهن‌مان حک شد. «حسبی الله و حافظی» که روی نگین سبز آن انگشتر حک شده بود شاید راز آرامش‌بخشی ست که باعث می‌شود مردان خدا شب و روز نشناسند و خدا برایشان کافی باشد. شاید هدیه اصلی آقای رئیسی به ما بود که چون چراغی مسیر را روشن می‌ساخت؛ این می‌شود که به دور از زخم‌زبان و تلخی اطرافیان خسته نشوی و برای آرمانت و خدمت به خلق فقط به او تکیه کنی. شاید «حسبنا الله و حافظنا» راز پایداری این خاک است، راز حرکت این ملت و

## دلگوشه

محمدحسین عبداللہی ۴۰۰ مهندسی مکانیک

نوار سیاه گوشه‌ی تلوزیون  
کلیپ با موسیقی متن «دیگر تنهای»  
محمد معتمدی  
اعلام خبر و گریه‌ی مردم  
توو رواق امام خمینی حرم  
شبیہ یک خواب که  
اولین بار ۱۳ دی دیدیم و هر چند وقت یک بار  
در غالب یک دژاوو ظاهر میشه  
غم آری غم  
همان ارثیه‌ی آباء و اجدادی...

چه صحنه‌های تکراری‌ای  
شب رو پای شبکه خبر صبح کردن  
دست به قرآن و تسبیح خوابیدن و بیدار شدن  
استرس و خوف و رجا  
دائما منتظر تکذیبیه نشستن  
تهش هم گریه

# دیپلمات شهید

صدرای علی‌بگ

۹۷ مهندسی مکانیک

که در عین سه دهه حضور و فعالیت دیپلماتیک در حوزه عربی و غرب آسیا و شناخت دقیق منطقه و مناسباتش، در بین سیاست مداران منطقه هم شناخته شده و خوش اعتبار بود. فردی که از بعد تخصصش به سختی دیگه شبیهش پیدا می شود.

فردی که در این چند ماه توانست با تلاش به معنای واقعی کلمه شبانه روزی اش تصویر جدیدی از دیپلماسی فعالانه رو به ما نشون بده؛

این تلاش‌ها همه در کنار یک شخصیت با پرستیژ و موقر، تصویری به وجود آورد که بدون شک سال‌ها تو ذهن همه ما خواهد ماند...

شهادت مبارک آقای دیپلمات...

در این ساعت‌ها که همه از رئیس جمهور می نویسند، می خواهیم کمی درباره وزیر امور خارجه بنویسیم؛ فردی که از لحظه‌ای که شنیدم او هم در این بالگرد بوده، حالم کلا دگرگون شد...

حسین امیرعبدالهیان - که هنوز دستم نمی رود قبل اسمش شهید بنویسم - به نظرم جزو معدود مواردی در سطح کلان کشور بود که یک آدم درست در جای درست قرار گرفته بود. فردی که نه از دل لپ‌لپ و یک‌شبه بلکه پله پله در وزارت خارجه رشد کرد و سال‌ها این کار را زندگی کرده بود؛

شخص پر تلاش و بی حاشیه‌ای که به نظرم در این دوران، شاید هیچکس به اندازه او مناسب این جایگاه نبود؛ فردی

# شهادت فرجام تشکیلات

شهید سید محمد حسینی بهشتی

اگر فرجام کار من و شما در تشکیلات، شهادت نباشد و اگر هدفی و مقصدی که برای فعالیت تشکیلاتی مان برمی‌گزینیم، در این سو نباشد، آنچه می‌کنیم، تباه و برباد است.

محمد حسینی



## چه می‌کنی؟

### حجت‌الاسلام و المسلمین قنبریان

تو در جنگل‌های ورزقان، در نقطه صفر مرزی چه کار می‌کنی مرد؟  
صندلی نهاد ریاست جمهوری خراب داشت که پشت آن نشستنی تا این شب عیدی، پیام تبریک برای این و آن ارسال کنی؟  
می‌خواستی مثلاً بگویی مردمی هستی؟  
خب سوار تو یوتا لندکروز ضدگلوله می‌شدی و چند نفر آدم را پیدا می‌کردی و از بین‌شان ردی

می‌شدی و صدای شاتر دوربین‌ها و تمام.  
به جهنم که پیرمرد روستای دیزج ملک از زمان رضاخان تا الان، یک فرماندار را از هم نزدیک ندیده. به جهنم که روستای کهنه‌لو به ورزقان یک جاده درست و حسابی ندارد. به جهنم که روستای کیغول یک درمانگاه ندارد و همین ماه پیش زن جوانی، قبل از رسیدن به زایشگاه شهرستان، بچه‌اش سقط شد. اقلای یک جای نزدیک با دسترسی هموار می‌رفتی سید!  
عدل رفتی سراغ نقطه‌ای که کل مملکت بسیج شده‌اند برای پیدا کردنش؟  
انصافت را شکر.

# توثیت نگار



هنر آن است که بی هیاهو و هلی سیاسی و خودنمایی های شیطنی، برای خدا به جهاد برخیزد و خود را فدی هدف کند نه هوای، و این هنر مردان خداست...

حضرت آیت الله امام سید روح الله موسوی خمینی (ره)



نشریه هیات الزهراء (س) دانشگاه صنعتی شریف



نشریه بسیج دانشجویی دانشگاه صنعتی شریف